



افسون گم شدن، پرسه زدن و تحمل ابهام

## من عاشق تعطیلاتم!

سحر سخایی

پژوهشگر قوم-موسیقی شناسی



من عاشق تعطیلاتم.  
هرچه قدر هم که بگویند  
امان و ای داد از این تعطیلی  
طولانی دوهفته‌ای و بی‌پند  
ریشه‌یابی کنند که اصلاً  
عقب‌ماندگی ما و نسبت‌مان  
با تقدس کار کردن در نگاه  
غربی بوده که باعث شده  
حالا اینجا باشیم، من با  
شرمساری پنهانی سر تکان  
می‌دهم، راهم را می‌گیرم  
و می‌روم تا برای تعطیلات  
آماده شوم

پنجشنبه شام منزل فلانی. دایره‌های قرمزی که دور اعداد روزها می‌کشیم، به ما شکلی از بودن را نشان می‌دهند که در نسبتش با باقی دنیا معنا می‌یابد. در رابطه با کار. در رابطه با بدن. در رابطه با آینده. تعطیلات غیبت تمام اینهاست. دست‌کم آن دو هفته آغاز سال نوی ما، از رد آن دایره‌های قرمز و فلش‌های سیاه در امان است. در غیاب دیگران، ماییم و دنیایی که اگر توانسته باشیم شکش بدهیم، زیبایی‌های نابی دارد: یکیش هم همین که ما دنیایی ساخته باشیم که بشود در آن دو هفته گم شد. بود درحالی که نبود. فراغت و فراقت. فراغ و فراق.

من عاشق تعطیلاتم و از آن بیشتر عاشق روزهای پیش از روزهای تعطیل در باقی سال. آن ظهرهای عجیب پنجشنبه که آیین آدینه است. آخرهای اسفند که آخر دنیاست و شهریور، که جان می‌دهد برای گم شدن و دیگر پیدانشدن.

همین که می‌شود فراغت را دوجور نوشت، همین که فراغ در خودش فراق هم دارد، بهترین مقدمه است تا من را به اصل حرقم برساند. گاهی همین چیزهای ساده و تکرار شده است که مثل تکیه‌کلام‌های تکراری خبر از پیچیدگی‌های عمیقی می‌دهد که هست و از فرط حضور، غایب است. مثل فراغتی که در خودش فراقت هم دارد. برای آنکه کار خودم و شما را آسان کنم بگذارید گریه این عشق را پای همین حجله بکشم: من عاشق تعطیلاتم. هرچه قدر هم که بگویند امان و ای داد از این تعطیلی طولانی دوهفته‌ای و بی‌پند ریشه‌یابی کنند که اصلاً عقب‌ماندگی ما و نسبت‌مان با تقدس کار کردن در نگاه غربی بوده که باعث شده حالا اینجا باشیم، من با شرمساری پنهانی سر تکان می‌دهم، راهم را می‌گیرم و می‌روم تا برای تعطیلات آماده شوم. تعطیلات بیشتر از یکی دو روز برایم حکم پرسه زدن در کوچه‌های شهری را دارد که نمی‌شناسمش. یک شهر غریبه. یا حتی نه آنچنان غریبه اما حامل چیزهایی ناشناخته. توی همین تهران هم می‌شود گم شد و اتفاقاً یک سال نوروز ما برای اینکه به خودمان این را ثابت کنیم آنقدر رفتیم و رفتیم تا جایی حوالی عودلاجان گم شدیم و چند ساعتی در گمگشتگی قدم زدیم تا بالاخره به اولین نشانی آشنا برخوردیم. این معنای واقعی تعطیلات برای من است: گم شدن، پرسه زدن و تحمل ابهام.

تقویم سالانه هرکدام ما، چه دفترچه‌های کوچک سرمه‌ای و سیاه توی کیف‌مان باشد و چه تقویم‌های دیواری بزرگ با عکس هنرمندان در گذشته، تصویرسازی‌های لطیف اردشیر رستمی با عکس‌های مریم زندگی، یک دستورالعمل است. شنبه می‌روی دکتر. یکشنبه می‌روی کتابخانه. دوشنبه باید تا هشت شب سر کار باشی.

تعطیلی‌ها، «بودن» را به ما یادآور می‌شوند؛ چرا این کار کرد ارزشمند را فراموش کرده‌ایم؟

## فرهنگ پیک نوروزی

میترا فردوسی

پژوهشگر مطالعات فرهنگی



بهار همین حوالی است. نوروز دارد از راه می‌رسد و هول و ولای به پایان رساندن همه کارهای معوقه را به جان مان ریخته، طوری که انگار قرار است باورود به تعطیلات نوروزی بست بنشینیم و از اوقات فراغت مان کیف کنیم و فکر هیچ کار و بار بر زمین مانده‌ای نباشیم. واقعیت این است که خیلی از ما اصلاً بلد نیستیم از تعطیلات مان استفاده کنیم و در آغوش لحظات جادویی فراغت که قرار نیست یک سمتش به هیچ کار فرما و ارباب رجوع و همکار و شاگرد و معلمی وصل باشد کمی از بار هستی روی شانه‌های مان را سبک کنیم؛ باید بلد باشیم و قدر بدانیم و ارزش بدهیم، اما جهان سرمایه‌داری با ایده‌های قلابی پیشرفت و ثروتمند شدن و موفقیت‌فروشی در بازار مکاره مصرف، طوری تمام روزهای تقویم ما را بلعیده که مجالی برای در آغوش کشیدن تعطیلات باقی نمانده. ایستایی، سکون، قرار و در کنار آن سرگرمی و بازی کمتر به دست می‌آید و همیشه یک لیست داریم برای انجام دادن کارهایی که تیک نخورده که در تمام طول تعطیلات به ما چشم‌غره می‌رود.

وقت آن فرار سیده که هم‌داستان با برتراند راسل در ستایش فراغت و به تعبیر او در دفاع از فضیلت بیکاری و بطالت حرف بزنیم، آن هم در مقابل فرهنگی که در آن به خاطر فضیلت شمردن «کار اساسی» و زیاد، مهارت بهره بردن از تعطیلات و فراغت انسان کور شده است. جوزف پیپر فیلسوف مبدع واژه «کار مطلق» یک خبر تلخ به ما می‌دهد و آن اینکه: «ایده اوقات فراغت که شامل ادراک و گشودگی رویه جهان، اندیشیدن، خلق چشم‌انداز و غوطه‌وری در واقعیت است امروز به طور کلی ناپود شده است و مادر سوگ اوقات فراغت و امکان‌های فراغتی هستیم؛ در یک کلام مهارت استفاده فعال از تعطیلات را از کف داده‌ایم.»

